

سرباز اسلام = سردار دل‌ها

خصوصیات شگفت‌انگیز امام از نظر رهبر معظم انقلاب

رفیق خوب و عزیز...



خوشبخت به ملکوت اعلی پیوست...



ذوب در انقلاب بود...



اخلاص بالایی داشت
و در جلسات گوشه ای می نشست که دیده نشود...

به دهان خطر می رفت
ولی مراقب جان سربازانش بود...



هم شجاعت ، هم تدبیر
و هم جگر عمل داشت...





ظلم بیداد می‌کرد، ظلم شاه به ملت مظلوم ایران، ظلم خوانین به روستاییان.

سال ۱۳۳۵، نوزادی در روستای قنات ملک از توابع شهرستان رابر استان کرمان دیده به جهان گشود و از همان کودکی طعم تلخ فقر و ظلم و بی‌عدالتی را چشید. کسی نمی‌دانست چند ده سال دیگر او خار چشم بزرگ‌ترین ظالمان جهان و امید دل مظلومان عالم خواهد شد. نامش قاسم بود. گویا قسم خورده بود تمام عمرش را صرف مبارزه با ظالمان و یاری مظلومان کند.

از ۱۳ سالگی لذت آسایش در کنار خانواده را بر خود حرام کرد و راه هجرت را در پیش گرفت؛ هجرت برای قوی شدن و دست و پنجه نرم کردن با غول ظلم و یاری مظلوم.

با تحصیل علم، اندیشه‌اش را، با عبادت روحش را، با کار بنیۀ اقتصادی‌اش را و با ورزش جسمش را قوی کرد.



یک روز شنید مردی به نام روح‌الله خمینی پرچم انقلابی بزرگ را به اهتزاز درآورده است، انقلابی که قصد داشت به حکومت ظالم شاهنشاهی پایان دهد و جمهوری اسلامی را جایگزین آن نماید. امام خمینی رضی الله عنه قوی‌ترین مرد معاصر در تمامی ابعاد بود.

هر چند آمریکا حامی سرسخت شاه ظالم بود؛ اما انقلاب اسلامی با رهبری آن ابرمرد تاریخ و یاری ملت ایران و ایثار و فداکاری قاسم سلیمانی‌ها به پیروزی رسید.

آمریکا تصمیم گرفت از ملت ایران انتقام بگیرد و میهن عزیزمان را تجزیه نماید. قاسم سلیمانی لباس رزم پوشید و پاسدار کشور و انقلاب شد. در هر شهری که رد پای دشمن دیده می‌شد قاسم در آنجا حاضر می‌شد و همراه با دیگر یاران انقلاب، امنیت و آرامش را به مردم و شهرهای میهنمان باز می‌گرداند.

آمریکایی‌ها وقتی با غائله نتوانستند انقلاب را سرنگون کنند، جنگی بزرگ به راه انداختند و همه کشور را درگیر یک جنگ هشت ساله کردند. قاسم در تمام این هشت سال در جبهه‌ها جنگید. او فرمانده لشکر همیشه قهرمان به نام لشکر ۴۱ ثارالله بود. آمریکا در جنگ هم نتوانست انقلاب را شکست بدهد.



خداوندا! تو را شکرگزارم که پس از عبد صالحت خمینی عزیز، مرا در مسیر عبد صالح دیگری که مظلومیتش اعظم است بر صالحیتش، مردی که حکیم امروز اسلام و تشیع و ایران و جهان سیاسی اسلام است، خامنه‌ای عزیز - که جانم فدای او باد - قرار دادی. بخشی از وصیت‌نامه شهید شهید قاسم سلیمانی

بعد از رحلت امام خمینی ره، شاگرد برجسته ایشان، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای راه پرفراز و نشیب انقلاب را ادامه داد. انقلاب حالا از مرزها فراتر رفته بود و به مستضعفان عالم یاری می‌رساند. مأموریت حاج قاسم سلیمانی دیگر در حد کشور نبود؛ در سطح بین‌المللی بود. او فرماندهی سپاه قدس را بر عهده داشت.

فلسطینی‌های مظلوم که تا دیروز در مقابل سلاح‌های پیشرفته اسرائیل اشغالگر، تنها به پرتاب سنگ اکتفا می‌کردند، حال با یاری سپاه قدس صاحب موشک شدند و رژیم صهیونیستی را به زانو درآوردند. لبنانی‌ها که نمی‌توانستند اسرائیل را از کشورشان بیرون کنند، با یاری سپاه قدس، سپاه قدرتمندی به نام حزب‌الله را تشکیل دادند و اسرائیل اشغالگر را بیرون انداختند.

پرچم اسلام روز به روز مرتفع‌تر می‌شد و انقلاب اسلامی در نظر مظلومان عالم محبوب‌تر. آمریکا این بار دست به فریب تازه‌ای زد. یک اسلام قلابی درست کرد به نام داعش (دولت اسلامی عراق و شام) و با این اسلام جنایت‌های زیادی مرتکب شد. بخشی از سوریه و عراق را اشغال کرد، خانه‌ها و شهرها را ویران نمود؛ ده‌ها هزار نفر از مردم بی‌گناه را به طرز وحشیانه‌ای کشت و همه را به گردن اسلام انداخت. او می‌خواست مردم را از اسلام واقعی بیزار کند.



این بار مأموریت حاج قاسم سلیمانی بسیار سخت‌تر از مأموریت‌های قبل بود. او باید در سطح بین‌المللی با یزید زمان، آمریکایی‌های جنایت‌کار می‌جنگید و اسلام قلابی را رسوا می‌کرد. جای نگرانی نبود. او بسیار قوی‌تر از قبل شده بود. با شجاعت بی‌نظیرش، با تدبیر زبازدش و اخلاق منحصر به فردش جوانان



و رزمندگان با اخلاص و علاقه‌مند به اسلام و اهل بیت و همچنین با حمایت معنوی مرجعیت و بزرگان دو کشور عراق و سوریه، در قالب گروه‌های مردمی (حشد الشعبی در عراق و دفاع الوطنی در سوریه) را سازماندهی کرد و با این کار به مردم عراق و سوریه چنان قدرتی بخشید که آمریکا را شکست دادند و این دو سرزمین را از اسلام قلابی پاک‌سازی کردند.

حالا اسلام ناب محمدی ﷺ در چشم مستضعفین عالم درخشان‌تر و محبوب‌تر از قبل خودنمایی می‌کرد. حاج قاسم سلیمانی به مقتدرترین و دوست داشتنی‌ترین سرباز جهان اسلام تبدیل شده بود و آمریکا به منفورترین دشمن بشریت. از همین رو کینه حاج قاسم به دل آمریکا نشست. آنها رو در رو نمی‌توانستند با این پهلوان جهان اسلام دست و پنجه نرم کنند بنابراین دست به عملیات ناجوانمردانه‌ای زدند و در یک شب تاریک در حالی که حاج قاسم سلیمانی به عنوان مهمان رسمی دولت عراق وارد فرودگاه بغداد شده بود، بعد از استقبال مقامات رسمی، در حالی که سوار بر خودرو از فرودگاه خارج می‌شد، توسط یهبادهای مسلح به موشک آمریکا مورد ترور قرار گرفت و به همراه دوست و هم‌رزم همیشگی‌اش ابو مهدی المهندس به فیض عظمای شهادت نائل گردید. شهادت او بازهم آمریکا را شکست داد. نفرت از آمریکا بیشتر و محبوبیت حاج قاسم افزوده‌تر شد.

حالا حاج قاسم به یک مکتب تبدیل شده است؛ «مکتبی» که مستضعفین عالم در آن گام نهاده‌اند و تا نابودی کامل ظلم و اتصال به بزرگ‌ترین منجی بشریت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف آن را طی خواهند کرد.



فعالیت

درباره مراسم تشییع حاج قاسم سلیمانی تحقیق کنید و گزارش آن را در کلاس ارائه دهید و به این پرسش پاسخ دهید که دلیل استقبال مردم در شهرهای مختلف از این مراسم چه بود؟